

بحران کسری بودجه

تجلی ورشکستگی سرمایه داری

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

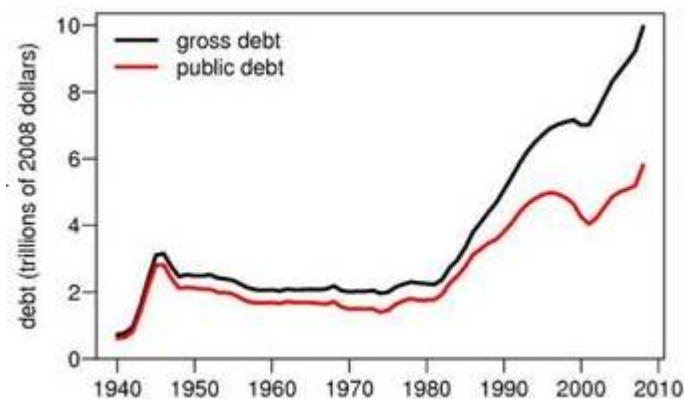
Homepage: www.internationalist.tk

جنگ جهانی اول نشان داد که سرمایه داری بعنوان یک نظام اجتماعی وارد دوره انحطاط شده است. این انحطاط خود را بشکل چرخه ای از بحران ، جنگ و بازسازی تجلی داده است ، ی‌تی‌بربر که نظام سرمایه داری به بشریت تحمیل می کند. سرمایه داری در بحران است ، بحرانی که عمیق تر شده و به سراسر جهان سرمایه داری گسترش پیدا کرده است ، بعبارت دیگر سرمایه داری در بحران مرگ خود فرو رفته است.

امروز بحران بدهی ها و کسری بودجه گریبانگیر تمامی دولت های سرمایه داری شده است ، چیزی که نشانه ای از ورشکستگی سرمایه داری است ، این بحران بهانه ای شده برای حمله روزانه به سطح استاندارد زندگی طبقه کارگر ، در سراسر جهان. این دولتهای پیرامونی سرمایه داری نیستند که خونریزی می کنند ، بلکه از لحاظ اقتصادی توسعه یافته ترین ، پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری ، دولتهای متروپل سرمایه داری هستند که برای زنده ماندن خود تقلا می کنند.

اقتصاد دانان و ایدئولوگهای بازار آزاد متوجه بدهی های هنگفت قدرتهای اقتصادی جهان شده اند. قلب تپنده سرمایه ، موتور اقتصادی جهان ، یعنی ایالات متحده آمریکا مقام سوم را در جهان ، در نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی کسب کرده است:

"در طول دوران ریاست پرزیدنت جورج دبلیو بوش ، کل بدهی آمریکا از ۵/۶ تریلیون دلار آمریکا در ماه ژانویه سال ۲۰۰۱ به ۱۰/۷ تریلیون دلار آمریکا در دسامبر ۲۰۰۸ افزایش یافته است ، از ۵۴ درصد از تولید ناخالص داخلی به ۷۵ درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا کرده است. کل بدهی های پیش بینی شده در طول دوران ریاست جمهوری اوباما به شکل قابل توجهی افزایش خواهد یافت و نزدیک به ۱۰۰ درصد از تولید ناخالص ملی خواهد رسید ، بالاترین سطح خود بعد از زمان جنگ جهانی دوم. کل بدهی می تواند ۱۵-۵ درصد بیشتر از تولید ناخالص داخلی طرح ریزی شده مبتنی بر کاهش کسری سالانه باشد یعنی به جای یک تریلیون ، یک ونیم تریلیون دلار آمریکا موقعیتی که در آن ایالات متحده در حال حاضر هست. این ایالات متحده را در مقام سوم از نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی قرار می دهد."^۱



قدرت های برتر اقتصادی اروپا کمتر از موتور اقتصادی جهان ، ایالات متحده آمریکا ورشکسته نیستند. واقعیت این است که قدرت های اقتصادی اروپا پس از ایالات متحده آمریکا بیشترین بدهی ها را دارند و جزو ورشکسته ترین کشورهای جهان هستند. بدهی بخشی از کشورهای یورو در سال ۲۰۰۹ میلادی به قرار زیر است:ⁱⁱ

| | ایتالیا | پرتغال | اسپانیا | بریتانیا | یونان | ایرلند | میانگین اتحادیه اروپا |
|--------------------------------------|---------|--------|---------|----------|-------|--------|-----------------------|
| بدهی به نسبت درصد تولید ناخالص داخلی | 116 | 77 | 54 | 68 | 112 | 65 | 78,2 |
| کسری بودجه به نسبت درصد سالانه | 5,3 | 9,4 | 11,2 | 11,5 | 13,6 | 14,3 | 5,3 |

"وزیر دارایی یونان گیورگوس پاپاکونستانینو (Giorgos Papakonstantinou) سه هفته قبل اعلام کرد که کسری بودجه کشورش به ۱۲/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی امسال رسیده است ، به جای ۶ درصد که در اصل پیش بینی شده بود - و نیز در مورد قوانین محدودیت ۳ درصد پیش بینی شده توسط اتحادیه اروپا. یونان در حال حاضر تقریباً ۲ درصد بیشتر از آلمان به بدهی های خود بهره می پردازد. به عبارت دیگر ، در مجموع بدهی [یونان] € ۲۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (€ ۴۰۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) است ، یونان بجای آلمان ۵ بیلیون یورو بیشتر بهره سالانه پرداخت خواهد کرد. و با تهدیدات آژانس ارزیابی اعتبارات ، که اعتبارات کشور را که درحال حاضر در شرایط ملال انگیزی است ، پائین تر نیز ارزیابی کند ، شرایطی که به نظر می آید بدتر نیز بشود.ⁱⁱⁱ

طبقه کارگر یونان موجی از اعتراضات ، اعتصابات و تسخیر خیابان ها ، محلهای کار را در اعتراض به جامعه ای که تنها بدتر شدن و وخامت وضعیت اجتماعی را برای آنها ارائه میدهد آغاز کرد. برای دفاع از سطح استاندارد زندگی خود که توسط بورژوازی مورد تعرض روزانه قرار میگیرد و در برابر اینکه نمیخواهد هزینه بحران سرمایه داری را پرداخت کند ، مقاومت میکرد.

اعتراضات نسل جوان که حتی برایشان شانس و فرصت وارد شدن به سیستم بردگی مزدی سرمایه داری داده نشده است ، بیانگر این است که نسل جوان از این مسئله آگاه است که در این دنیای وارونه سرمایه داری هیچ آینده ای ندارد. در همان زمان ، شرکت دانشجویان در این اعتراضات بیانگر این است که دانشجویان خودشان را پرولترهای آینده می بینند و به استثمار آینده خود اعتراض می کنند.

طبقه حاکم یونان از طبقه کارگر می خواهد که در این « وضعیت دشوار » برای نجات جامعه سرمایه داری از خود فداکاری نشان دهد. پاپاکونستانینو (Papaconstantinou) بخشی از اقدامات لازم برای نجات اقتصاد ورشکسته یونان را بقرار زیر اعلام کرد:^{iv}

- افزایش مالیات بر درآمد از ۲۱ درصد به ۲۳ درصد
- افزایش ۱۰ درصد مالیات بر سوخت ، مشروبات الکلی و دخانیات
- کاهش بیشتر حقوق ها در بخش دولتی و حقوق بازنشستگی
- ...

هیچ بخشی از طبقه کارگر از شر حملات بورژوازی در امان نیست ، نه بخش خصوصی ، نه بخش دولتی و یا بیکاران. طبقه کارگر مجبور به قبول دستمزد کمتر ، سرعت کار بیشتر ، افزایش ناامنی شغلی ، شرایط بد بازنشستگی و همچنین غیره هست. تعرض بورژوازی تجلی خود را اخراجها ، تهدید به اخراج ، کاهش نیروی کار و یا بیکاری آشکار زمانی که صنایع بزرگ بسته می شوند ، نشان میدهد. بورژوازی از ما می خواهد که هزینه بحران نظام سرمایه داری را پرداخت کنیم.

رسانه های جمعی سرمایه به عنوان خادمان وفادار سرمایه در وارونه کردن حقایق دنیای وارونه سرمایه داری عمل کرده اند و تلاش می کنند. آنها هرگز در مورد اعتصابات وحشی سخنی به میان نمی آورند و یا همیشه سعی می کنند خشونت پلیس سرمایه علیه طبقه کارگر را کم اهمیت جلوه دهند. در همان زمان ، آنها اغلب مواقع اتحادیه های کارگری را سازماندهان اعتراضات و اعتصابات کارگری معرفی می کنند ، اما وظیفه اصلی اتحادیه ها کنترل طبقه کارگر و منحرف کردن مبارزه طبقاتی کارگران است و به عبارت بهتر اتحادیه های کارگری سعی می کنند نارضایتی های اجتماعی را جذب خود کنند و مانع ابتکار عمل مستقیم طبقه کارگر شوند.

هر چقدر طبقه کارگر بیشتر شروع به گرفتن ابتکار عمل می کند و بیشتر در مبارزات دخالت می کند ، تروریسم دولتی بیشتر ماهیت واقعی را نشان می دهد. هر چقدر اعتراضات پرولتاریا بیشتر رادیکال و میلیتانت می شود به همان اندازه خشونت و سرکوب پلیس افزایش پیدا می کند. دستگاه سرکوب دموکراسی تلاش می کند اعتراضات پرولتاریا را نیز جنائی کند.

بحران سرمایه داری سراسر جهان را فرا گرفته است و پاسخ طبقه کارگر نیز باید جهانی باشد. به منظور غلبه بر انزوا در مبارزه طبقاتی ، تنها راه ممکن گسترش و تکامل مبارزه طبقاتی و همبستگی در مقیاس بین المللی است. ما فقط می توانیم به حملات بورژوازی از زمین طبقاتی خودمان پاسخ بدهیم. ما باید از اهمیت واقعی مبارزه مان آگاه باشیم ، چرا که حاوی نطفه واقعی برای چالش کشیدن سیستم منحل اجتماعی است.

ریشه های واقعی بحران اقتصادی امروز ، تعقیب بی رحمانه سرمایه داری در سود هست و هنگامی که انباشت سرمایه متوقف می شود سرمایه داری در بحران فرو میرود.

تنها طبقه کارگر می تواند چشم اندازی به اعتراضات بدهد ، چیزی که در نهایت تجلی روح مبارزه ، امتناع از پذیرفتن حملات بورژوازی است. تا به حال ، هیچ طبقه اجتماعی چنین مسئولیتی که امروز پرولتاریا به عهده دارد ، عهده دار نبوده است. بیش از هر زمان دیگری طبقه کارگر از طریق مبارزه طبقاتی اش آینده بشریت را در دستهای خود دارد. هنگامی که طبقه کارگر مبارزه خود رافراتر از مرزهای ملی تکامل و گسترش داد ، نبردش آلترناتیو واقعی خواهد بود برای نظام بحران ، بدبختی و بربریت.

فیروز

۱ خرداد ۱۳۸۹

ⁱ <http://nextbigfuture.com/2009/12/us-deficit-situation-2008-2010-2012-and.html>

ⁱⁱ <http://econ.economicshelp.org/2010/04/european-fiscal-crisis.html>

ⁱⁱⁱ <http://nextbigfuture.com/2009/12/us-deficit-situation-2008-2010-2012-and.html>

^{iv} <http://economictimes.indiatimes.com/news/international-business/Greece-pledges-more-budget-cuts-gets-more-time/articleshow/5883771.cms>